

نگاهی به مضامین و سبک آثار حضرت ولیّ امرالله

وحید رأفتی

آثار حضرت ولیّ عزیز امرالله که در طیّ سی و شش سال (۱۹۲۱-۱۹۵۷ م.) برای هدایت اهل عالم به شریعهٔ جمال قدم و قریبت آنان به منویات مظهر امر الهی در این ظهور افخم به منصّه ظهور رسیده مجموعهٔ بی‌نظیری را در معارف مذهبی جامعهٔ انسانی تشکیل می‌دهد. این آثار را بطور کلی می‌توان به چهار دسته تقسیم نمود:

اول- آثار فارسی

دوم- آثار عربی

سوم- آثار انگلیسی

چهارم- آثاری که از فارسی و یا عربی به انگلیسی ترجمه شده است.

آثار سه دستهٔ اول به دو نوع قابل تقسیم است:

اول- آثاری که به قلم هیکل اطهر به رشتهٔ تحریر درآمده است.

دوم- آثاری که حاوی مطالب حضرت ولیّ امرالله است اما از طرف آن حضرت بوسیلهٔ منشی

تحریر شده و سپس به ملاحظه و امضاء هیکل اطهر رسیده است.

توجه خاصّ ما در این مقام ناظر به مضامین اصلی آثار فارسی صادره از قلم هیکل اطهر حضرت ولیّ امرالله است و ناگفته پیداست که آنچه آثار فارسی آن حضرت را تشکیل می‌دهد حاوی خطب و فقراتی به زبان عربی نیز هست.

تعیین حضرت ولیّ امرالله بنا بر نصّ الواح وصایای حضرت عبدالبهاء به عنوان ولیّ امرالله و مبین آیات الله به خودی خود دالّ بر این مطلب است که آثار صادره از قلم آن حضرت به منزلهٔ "تبین" آثار حضرت ربّ اعلیٰ، جمال اقدس ابهی و حضرت عبدالبهاء محسوب می‌گردد و برای اهل بهاء از سندیت

و وثاقت کامل برخوردار بوده، واجب الاتباع می‌باشد. بنا بر آنچه مذکور شد آثار حضرت ولیّ امرالله "کلام مبین" شمرده می‌شود و از نظر شرعی بعد از کلام جمال قدم که به وحی الهی عزّ نزول یافته مانند کلام حضرت عبدالبهاء مهمّ‌ترین و موثّق‌ترین منبع و مأخذ اهل بهاء برای درک شریعت‌الله است و شارح مقاصد و نیات و قوی و مکنوناتی که در کلام شارح و آثار حضرت عبدالبهاء به ودیعت گذاشته شده است. توجّه به کلام مبین ضامن حفظ و صیانت حصن حصین شریعت‌الله و اتحاد و اتفاق احباء و سبب بروز تدریجی کمالات ظهور الهی در بسط غبرا است.

در آثار حضرت ولیّ امرالله اگرچه کلمات طلعات مقدّسه امر مورد تبیین و تشریح قرار گرفته اما در عین حال همین کلمات منبع و مأخذ تبیینات و اقدامات هیکل اطهر بوده است.

ثبت نتایج اقدامات مبذوله در رسیدگی به مهمام امور جامعه بهائی در شرق و غرب عالم، طرح و تشریح مسائل کلیه‌ای که در ارتباط تعالیم و مؤسّسات امر الهی با قضایای عالم وجود در جریان خواهد بود، تفرّسی که در شئون آتیّه امرالله صورت گرفته است، تشخیص احتیاجات جامعه امر، تهیّه و طرح اسباب و وسائل لازمه برای وصول به مقاصد و اهداف امر الهی و ارائه نظریّات و اهداف معینه برای ترویج تعاون و تفاهم در بین مؤسّسات بهائی در شرق و غرب عالم از جمله نکات اساسیه و مضامین مهمّه‌ای است که صفحات عدیده از آثار حضرت ولیّ عزیز امرالله را به خود اختصاص داده است.

در بین آثار طلعات مقدّسه امر چند اثری که واضحاً مورد توجّه و تمعّن مخصوص حضرت ولیّ امرالله قرار گرفته و مندرجات آنها به کمک خلاقیت ذهنی و قوه تشخیص و ابداع آن حضرت منشأ و مصدر تحولات عظیمه در سیر و جریان امر الهی گشته کتاب مستطاب اقدس و لوح کرمل از آثار جمال قدم و الواح نقشه تبلیخی و الواح وصایای حضرت عبدالبهاء را می‌توان بر شمرد. سخن‌گزافی نیست اگر گفته شود که منطوق این آثار ثمینّه اربعه در اندیشه خلاق و مبدع حضرت ولیّ امرالله به صورت نقشه‌ها و برنامه‌ها و طرح‌هایی خاصّ و مشخصّ به تدریج و تأنی از حیّز قوه به فعل درآمده و ماهیت علمی آنها به وجود عینی تحوّل یافته و در بسط غبرا تأسیس و گسترش و استقرار پیدا نموده است. با توجّه به این نکته مضامین اساسی آثار حضرت ولیّ امرالله عمده عبارت از شرح و بسط و توضیح و تبیین بطون اشارات، رموز، کنایات و نوایایی است که در این آثار به نحو اجمال مکنون و مستور بوده است.

کتاب مستطاب اقدس جامع شرایع، فرائض و احکام حلال و حرام و مکروه و مستحب در این دور صمدانی است. واضح است که در این کتاب مختصر بذر صدها مطلب بالقوه موجود و مندمج است که به تدریج باید به حیّز شهود درآید و در حیات فردی و اجتماعی افراد انسانی و مؤسّسات جامعه بشری نقشی اساسی و تعیین‌کننده ایفاء نماید. با توجّه به کتاب مستطاب اقدس و الواحی که در تتمیم آن از قلم جمال قدم عزّ نزول یافته یکی از اساسی‌ترین مضامین مندرجه در آثار حضرت ولیّ امرالله تشریح و تبیین احکام الهیه و توضیح جزئیّات قضایای مربوط به حقوق و احوال شخصیّه و شرح و بسط مسائل مربوط به عبادات، عقود، منهیات، منکرات و سائر قضایای شرعی و مذهبی است.

الواح و صایای حضرت عبدالبهاء اساسی ترین سند موجود در کیفیت تأسیس و نشو و ارتقاء مؤسسات نظم اداری بهائی است. بر اساس این وثیقه عظیمه مبارکه که "ولید میثاق" لقب گرفته است مضامین اصلی تعداد بسیاری از توابع مبارکه حضرت ولی امرالله درباره اهمیت و کیفیت ایجاد محافل محلیه، محافل ملیه، انجمن های شور روحانی و انتخابات بهائی است. مؤسسات و مشروعات وابسته به محافل روحانیه نظیر لجنات محلی و ملی، صندوق خیریه، محفظه آثار، گلستان جاوید، حظائر قدس، مدارس تابستانه، مشارق الاذکار، اوقاف بهائی، احصائیه و نشریات امری و بالاخره ضیافت نوزده روزه در این آثار مورد شرح و بسط قرار گرفته و وظائف و مسئولیت های هیئت ایادی امرالله و نقش و اهمیت بیت العدل اعظم الهی توضیح و تشریح گردیده است.

نقشه تبلیغی حضرت عبدالبهاء که در الواح آن حضرت انعکاس یافته منبع الهام و اقدام حضرت ولی امرالله برای طرح و تنفیذ نقشه های ملی و بین المللی جهت تبلیغ و گسترش منظم امر الهی در سراسر کره ارض بوده است. در نتیجه توجه دقیق حضرت ولی امرالله به منطوق این الواح مبارکه مسائل مربوط به هجرت و فتح نقاط جدید، نقشه های مهاجرتی، تعیین اهداف نقشه ها، تشویق و تحریض مهاجرین و مبلغین و توضیح وظائف و نقش آنان و سایر مطالب مربوط به کیفیت نشر و گسترش امر الهی در بلاد مختلفه عالم یکی دیگر از مواضع اصلی توفیقات مبارکه را تشکیل داده است.

همانطور که اشاره شد لوح مبارک کرمل یکی از وثائق مهمه ای است که مورد تأمل خاص حضرت ولی امرالله قرار گرفته و با کسب الهام از مضامین و مندرجات آن قضایای مربوط به توسعه و تحکیم مؤسسات امر الهی در کوه کرمل یکی دیگر از مضامین اساسیه موجود در آثار آن حضرت را به خود اختصاص داده است. اشارات و توضیحاتی که حضرت ولی امرالله برای طرح و توسعه و تملیک و تصرف اماکن متبرکه در ارض اقدس در آثار خود مرقوم فرموده اند و توضیحات هیکل اطهر درباره روضه مبارکه جمال قدم در بهجی و ابنیه حول قوس کوه کرمل کل در زمره مهم ترین مضامینی محسوب می گردد که نقش و ماهیت و سیر تحولات امر الهی را در مرکز جهانی بهائی تعیین و مشخص نموده است.

چنانچه مسجّل و معلوم است لوح مبارک کرمل در یکی از اسفار اخیر جمال مختار به حیفا در کوه کرمل عزّ نزول یافت و اشاره حضرت بهاءالله به زمینی که باید محل استقرار عرش مطهر حضرت ربّ اعلی در قلب جبل کرمل قرار گیرد و سپس ابتیاع آن زمین و شروع بنای آن در دوره حضرت عبدالبهاء مسیر مقدرات امر الهی را در این جبل تعیین نمود و انتقال عرش حضرت آسیه خانم و حضرت غصن اطهر از مقبره مسلمین عکا به جوار مقام اعلی در حیفا مرکزیت این مراقد را در قلب قوس کرمل واضح و مدلل ساخت و به دنباله این تحولات ساختمان دارالآثار بین المللی و توضیحات آن حضرت درباره اهمیت، نقش و موقعیت دارالتشریح، دارالتحقیق، دارالتبلیغ و دارالکتب بهائی که ابنیه خمسّه اساسیه حول قوس کوه کرمل را تشکیل می دهد بر تأثیر و نفوذ این مؤسسات بر مقدرات جامعه

بشری تأکید نمود و هدایت آن مصدر معصوم راه گشای تحولات و تأسیس و توسعه و تحکیم تدریجی آن مؤسسات در مرکز جهانی امر الهی گشت.

بررسی مختصر مضامین کلی موجود در آثار حضرت ولیّ امرالله را نمی توان بدون ذکر چند نکته دیگر به پایان رسانید. از جمله توجه بارز حضرت ولیّ امرالله به اصل تشویق و تحریض احتیای الهی است که تقریباً هیچ اثری از آثار اصلی آن حضرت را خالی از این توجه نمی توان یافت. هر حرکت و اقدام و مشروعی که در سبیل ترویج و تأسیس و تحکیم مبانی امر الهی بوسیله اهل بهاء صورت گرفته در آثار آن حضرت انعکاس یافته و با عطوفت و رأفت و رقت و لطافت و فیر از آن یاد شده است.

مطالعه تحولات و مشخصات ادوار تاریخی امر الهی که در آثار حضرت ولیّ امرالله به سه عصر رسولی، تکوین و ذهبی تقسیم شده و شرح و توضیح وقایع و قضایای مربوط به عهود ثلاثه عصر رسولی و دو عهد اول و ثانی عصر تکوین و نیز پیش بینی مقدرات و مسیر تحولات و کمالاتی که در عهود باقیمانده عصر تکوین و در عصر ذهبی دور بهائی به ظهور خواهد رسید یکی دیگر از مضامینی است که مخصوصاً در توقیعات مفصل تر آن حضرت از توجه مخصوص برخوردار گشته و صفحات عدیده به آن اختصاص یافته است.

انعکاس قضایای مربوط به حوادث تاریخیّه دوره ولایت در آثار حضرت ولیّ امرالله و شرح مصائب و مشاکل و تزییقات و کشتار بهائیان در ایران، حلّ و فصل مسائل خصوصی تعداد کثیری از احباء، پاسخ به اسئله افراد و تشکیلات بهائی درباره صدها مطلب تاریخی، اجتماعی، اعتقادی، فلسفی و مواضع عدیده دیگر نیز از جمله مضامینی است که در آثار آن حضرت درج و انعکاس یافته و گنجینه نفیس و بی نظیر آثار حضرت ولیّ امرالله را از ثمره هدایت ربّانیّه آن مرجع معصوم اهل بهاء الی الابد غنی و فیاض ساخته است، گنجینه ای که هر عبارتش شایسته تمعن و تأمل و فیر برای نسل امروز و نسل های آینده در جهان فردا است.

حال که عصاره مضامین آثار حضرت ولیّ امرالله به نحو اجمال مورد مطالعه قرار گرفت چند نکته اساسی را درباره سبک نگارش آن حضرت مطرح می سازد. در بادی امر تصریح بر این مطلب کاملاً ضروری است که مطالعه تفصیلی آثار حضرت ولیّ امرالله از نقطه نظر علوم و فنون بلاغی-ادبی بر عهده متخصصین این علوم است تا با خبرت، دقت و تعمق لازم به انجام این مطالعات پردازند و دامنه علم و بینش اهل بهاء را نسبت به سبک و سیاق و مشخصات دستوری آثار آن حضرت وسعت بخشند. بضاعت مزجاة این عبد در این علوم و اختصاری که اساس این مقاله بر آن استوار است حقیر را از ورود در این مباحث و شرح دقیق این قضایا بر حذر می دارد، اما به عنوان فتح بابی در مطالعه این مواضع فقط چند نکته اساسی را در سبک شناسی آثار حضرت ولیّ امرالله با خوانندگان گرامی در میان می گذارد.

آثار حضرت ولیّ امرالله که اهل بهاء آن را از نتایج عصمت موهوبی آن حضرت می‌دانند مجموعه تبینات و تشریحات و توضیحاتی است که به الهام الهی از قلم آن حضرت جاری گشته تا اهداف و مقاصد و تعالیم امر بهائی را تفهیم نماید و لذا به عنوان متون مذهبی ملاک اعتقادات دینی و روحانی اهل بهاء را تشکیل می‌دهد و حاوی دستورالعمل حیات فردی و جمعی آنان است.

آثار سی و شش ساله حضرت ولیّ امرالله قطعاً از نظر معیارهای بلاغی و فنون ادبی در جدی یکسان قرار نمی‌گیرند و طبیعتاً فصاحت و بلاغت بین در تواقعی نظیر توفیق قرن اجتای شرق را در آثار کوتاه‌تر آن حضرت که بیشتر جنبه مراسلات اداری و یا مکاتبات شخصی دارد نمی‌توان در یک حدّ قرار داد.

مراتب کمال، انسجام، حلاوت و لطافت بیان در ارائه افکار و مقاصد نیز از جمله کیفیاتی است که سیر تکاملی آن را به وضوح می‌توان در آثار مبارکه آن حضرت احساس نمود.

مشخصه اصلی و اساسی آثار فارسی حضرت ولیّ امرالله انسجام، استحکام، گیرایی و هیمنه طبیعی مودوعه در این آثار است. حضرت ولیّ امرالله در فلسطین متولد شدند و هرچند در محیط اجتماعی و فرهنگی عکا و حیفا رشد و بلوغ یافتند اما در شرائط خانوادگی ممتاز و منحصر به فردی به بزرگی رسیدند که زبان، فرهنگ، آداب و رسوم کاملاً فارسی و ایرانی بر جزئیات آن به نحوی بارز حکم فرما بود. هیکل اطهر هرچند در تحصیلات مدرسی خود زبان فارسی نیاموختند اما نفس دمسازی و مؤانست مستمرّ با آثار حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء و نیز رشد و نمو در عائله اصیل ایرانی و مراوده مستمرّ با فارسی‌زبانانی که بعضاً خود شاعر و زبان‌دان و زبان‌شناس بودند آن حضرت را با اصول و قواعد و مبانی زبان فارسی در حدّ تبخّر و خبرتی حیرت‌انگیز آشنا ساخت و فرهنگ و زبان محیط عربی این دو شهر بر وسعت لغات و امکانات استفاده از اصطلاحات دو زبان عربی و فارسی تأثیر و فیر نهاد.

نثری که عمده در آثار مبارکه بهائی به کار رفته و در آثار حضرت ولیّ امرالله نیز مورد استفاده قرار گرفته نثر مرسل است. نثر مرسل، نثر محاوره‌ای، نثر خطابی و نثر فنی چهار نوع نثری است که اهل ادب در زبان فارسی تشخیص داده‌اند. در نثر مرسل کلمات با وضوح و روشنی مورد استفاده قرار می‌گیرند و معانی و مفاهیم کامل خود را ارائه می‌سازند. در این نثر قواعد و موازین دستوری رعایت می‌شود و ایجاز و اطناب در چنین نثری راه نمی‌یابد. نثر محاوره‌ای یا نثر عادی در زبان عامه مردم مورد استفاده قرار می‌گیرد. این نثر فاقد فنون و ظرائف ادبی است و کلمات و مصطلحات در این نثر از معانی اولیه و ظاهری خود بهره می‌گیرند. نثر خطابی مقرون به فصاحت، خوش آهنگی و انسجام است و از کلمات سبک و تکراری در این نثر احتراز می‌شود. نثر فنی ناظر به استفاده از الفاظ و صنایع لفظی است و لذا در این نثر کلمات مترادف، اطناب، تکرار و آرایش‌های لفظی و ظاهری به وفور به کار می‌رود و گاه معانی فدای الفاظ می‌شود.

از انواع چهارگانه نثر، نثر مرسل به اصول فصاحت و بلاغت توجه مخصوص دارد و همین اصول در نثر مرسل حضرت ولی امرالله نقش عمده ایفاء نموده است.

در علوم ادبی صراحت الفاظ، شیوایی بیان و پاکی عبارات از پیچیدگی و دشواری لفظی اساس فصاحت است. در کلام فصیح خواننده می تواند منظور نویسنده را به سهولت و صراحت بفهمد و از عذوبت و لطافتی که در کلام فصیح نهفته است لذت برد. فصاحت ناظر به الفاظ و رابطه الحان و اوزان آنها با یکدیگر است. در فصاحت قضایای روشنی، زود فهمی، صحت و شیوایی الفاظ مطرح است اما در بلاغت معانی و مفاهیم مد نظر و تمعن قرار می گیرد. کلام بلیغ کلام پر معنا است. فصاحت به جام ناظر است و بلاغت به محتوای جام. نثر حضرت ولی امرالله را نمونه اعلائی فصاحت می توان دانست چه که از ضعف تألیف یعنی زلات و اغلاط دستوری به دور است، از تعقید لفظی یعنی آنچه سبب دیر فهمی مقاصد می شود مبری است، از کلمات دور از ذهن و مهجور یا به عبارت دیگر از تعقید معنوی خالی است و از تکرر کلمه واحد در عبارت احتراز شده است. نمونه ای از کلام فصیح و بلیغ حضرت ولی امرالله را قطعه ذیل می توان دانست که در نهایت انسجام و شیوایی مشخصات اصلی آئین بهائی را به ادق تعابیر چنین وصف فرموده اند:

«... این آئین گرانها بنیانش به تعالیم قیمه الهیه قائم و برپا و واضح بنیادش اصبع مشیت جمال اقدس ابهی، سراپرده اش به عمود تقوای خالص مرتفع و دعائم قصر مشیدش به اعمال پسندیده فدائانش استوار و ثابت. نخل امیدش به دماء برینه شهیدان مظلوم سقایت گشته و هیکل الطف ابدع اطهر اعلایش از نفحات ظهور الهی تقویت یافته. خیط دریش محبت الله است و اساس اقومش معرفت الله. سرچشمه اش روح الهی است و قوه دافعه اش فیض آسمانی. جندش سپاه ملا اعلی است و قائد و نگهبانش روح زنده جاوید حضرت عبدالبهاء. نغمه صافورش یا بهاء الابهی است و نقره ناقورش یا علی الاعلی. سیف شاهرش کلمه الله است و پرچم مواجش وحدت دین الله. شعار اعظمش مظلومیت کبری و سهم و سنانش عبودیت آستان جمال ابهی. فریادش وحدت عالم انسانی است و نقطه نظرگاهش عزت و سعادت جاودانی. یرلیغ بلیغش نصائح قلم اعلی است و گرز آتشینش خطابات قهریه در صحف نورا. جولانگاهش میدین قلوب و یگانه آمالش تزکیه ارواح و نفوس...»^۱

نمونه دیگری از نثر جمیل حضرت ولی امرالله که با فصاحت و بلاغت و در عین حال شور و حرکت و فیر همراه است چنین است:

«... یا حزب الله فی المدين و الدیار، همت لازم است همت، البدار البدار وقت تنگ است درنگ نمائید، میدان خدمت مهیا فرصت گرانها را غنیمت شمردید. کتائب تأیید و فیالق توفیق به امر

سلیمان سریر ملکوت حول عرش کبریا صف بسته کلّ مستعدّ خروج و نزول و هجومند. حیف است آنی تأمل و تردّد را جائز شمردیم. واقعه‌ها در پیش است و دشمنان پرکین امر بهاء از پس. مسامحه و مساهله مخّل در نظم امرالله و علّت ازدیاد بطش و صولت و جرأت و جسارت اعدای دین‌الله. یوم یوم قیام است و زمان زمان استقامت بر امر مالک انام...»^۲

یکی از فنون بدیعی بسیار مستعمل در آثار مبارکه بهائی که در آثار حضرت ولیّ امرالله نیز به نحوی بارز به چشم می‌خورد استفاده از صنعت سجع است و آن آوردن کلمات هم‌وزن در نثر است، نظیر عبارت سعدی در گلستان که «هرکه دست از جان بشوید هرچه در دل دارد بگوید». دو کلمه «بشوید» و «بگوید» در این عبارت سجع متوازی است و در عبارت دیگر او در گلستان که می‌فرماید «هر نفسی که فرو می‌رود ممدّ حیات است و چون بر می‌آید مفرّح ذات» دو کلمه «حیات» و «ذات» نیز سجع مطرّف محسوب می‌گردند.

حضرت ولیّ امرالله در توفیق رضوان سنه ۸۹ بدیع از جمله می‌فرمایند:

«... ای حاملان امانت الهیه از جهتی آوازه امر الهی بلند است و تباشیر عصر حضرت بهاء‌الله بر عالم و عالمیان لائح. قدرت غالبه‌اش بر مدّعیان آشکار است و آثار نهضت محیره‌اش در آفاق نمودار. شمامه عبرینش در جمیع اقطار منتشر است و لثالی بی‌شمارش از گنجینه اسرار بر جهانیان منتشر و از جهتی انقلابات عالم ناسوت یوماً فیوماً در ازدیاد و قلاقل و اضطرابات ملکیه‌اش آناً فاناً در انتشار... قوای اقوام مختلفه بر اطفاء سراج دین برخاسته و در ترویج قواعد باطله ظاهر الاستحاله همّت بگماشته. شرق در جنبش و هیجان است و غرب از ثقل فادح آفات متراکمه نالان و هراسان. حزب شمال به تمام قوی بر ایجاد فتنه و افساد عقیده و ترویج مبادی سقیمه قائم و در تولید بغض و خصومت و هدم بنیان دیانت ساعی و جاهد. مکاید سیاسیّه در میان است و مقاصد خفیه در جولان. حکومت عالم به منازعات وطنیه و تعصبات مختلفه شدیدگرفتارند و به ذیل تقالید عتیقه متشبّث. ثقه و اعتمادشان به یکدیگر مسلوب و از تعاون و تعاضد محروم و مأیوس...»^۳

در این نثر غنی و فاخر انواع سجع را می‌توان ملاحظه نمود. دو کلمه «منتشر» و «منتشر» که وزن و حروف روی مشترک دارند سجع متوازی را تشکیل می‌دهند و «هراسان» و «هیجان»، و «میان» و «جولان» که در وزن مختلف و در حروف روی مشترکند سجع مطرّفند. دو کلمه «قائم» و «جاهد» رانیز که در وزن مشترک و در حروف روی مختلفند می‌توان سجع متوازن محسوب داشت.

یکی دیگر از مشخصات عمده آثار حضرت ولیّ امرالله که در بسیاری از آنها به اولین نظر توجه خواننده را به خود جلب می‌نماید «براعت استهلال» است. در علوم بلاغی براعت استهلال عبارت از

آوردن مقدمه یا خطابی زیبا برای ایجاد زمینه مناسب جهت طرح و شرح مسئله مورد نظر است. براعت استهلال با حُسن مطلع آغاز می‌شود و آن زیبایی، دلنشینی، گیرایی و لطافت کلام در ابتدای سخن است بطوری که خواننده را به خود جلب نماید و او را راغب سازد تا متنی را که در پی خواهد آمد با دقت و رغبت مطالعه نماید.

بسیاری از آثار حضرت ولیّ امرالله در استفاده از صفت براعت استهلال فی الحقیقه از نبوغ ادبی آن حضرت حکایت می‌کند. مثلاً توفیق مورّخ رضوان سنه ۸۹ بدیع با این عبارات آغاز می‌شود:

«ای سپاهیان ملکوت، سلطان سریر لاهوت حضرت ربّ الجنود در این ربیع رحمانی و رضوان خوش روحانی ستاینندگان اسم اعظمش را از اعلیٰ رفارف قدس ندا می‌فرماید: ان یا عشّاقی و انصاری و حمله امانتی بین خلقی ان استمعوا ندائی انا حیّ فی الافق الابهیٰ ان یا احبائی ایّای فاشهدون...»^۴

و توفیق مورّخ ۲۵ دسامبر ۱۹۳۹ که عمده درباره انتقال رمسین حضرت آسیه خانم و میرزا مهدی غصن اطهر از عکا به حیفا و استقرار آنها در جوار مقام حضرت ربّ اعلیٰ است با این عبارت آغاز می‌گردد:

«یا حزب الله فی المدن و الدیار، مژده باد مژده باد که در این روز فیروز و عصر جهان افروز با وجود تابع محن و بلایا و شدائد و رزایا که در این سنوات اخیره بر ارض اقدس هجوم و نزول نموده و حدوث انقلاب اعظم و وقوع جنگ و قتال شدید بین دول و امم به تقدیرات جمال قدم و تأییدات موعوده اسم اعظم و قوه نافذه دافعه آن محیی رمم رغماً لأنف التاقضین النا کثین دورمس اعزّ اشرف حضرت غصن الله الاطهر... و مخدره کبری الورقه العلیاء صاحبه البهاء امّ حضرت عبدالبهاء محفوظاً بالرعاية الالهیه و مشمولاً بالعنایات السّماویّه از بقعه متروکه مهجوره نبی صالح به آرامگاه ابدی در دامنه جبل کرمل منتقل گردید...»^۵

نحوه خطاب حضرت ولیّ امرالله در آغاز مطالبی که می‌خواهند مطرح فرمایند نیز بسیار زیبا، گیرا، دلگرم‌کننده و تشویق‌آمیز است بطوری که هریک از جملات خطابی آن حضرت می‌تواند زمینه مساعد و مطلوب را برای طرح مطلب در ذهن خواننده آماده سازد و در حدّ خود حسن مطلعی برای آغاز هر مطلب محسوب گردد. در توفیعات مبارکه خواننده به کرات به این نوع خطابات مخاطب گشته است:

«ای حبیبان باوفا...»^۶

«ای جنود منصوره جمال ابهی...»^۷

«ای عزیزان حق...»^۸

«ای حافظان میراث الهی...»^۹

«ای برادران و خواهران روحانی...»^{۱۰}

«ای یاران ممتحن جمال ابهی و یاوران برگزیده حضرت عبدالبهاء...»^{۱۱}

«ای عشاق آن طلعت نوراء...»^{۱۲}

حسن مقطع را نیز باید یکی از مشخصات اصلی غالب آثار فارسی حضرت ولی عزیز امرالله محسوب داشت. در اصطلاح بدیع حسن مقطع تمام کردن مطلب با لحنی زیبا و سخنی پر اثر است بطوری که مطالب مطروحه در ذهن خواننده جایگزین شود و اثراتش باقی بماند. در حسن مقطع عصاره نیات و مقاصد با زیبایی و انسجام و لحنی خوش و موزون عرضه می شود. گاهی حسن مقطع با تحریک ذهن خواننده یا طلب اقدام و یا تشویق او به قیام و یا طلب تأیید و نصرت الهی برای او همراه است.

نمونه ای از حسن مقطع در توفیق مورخ ایلول ۱۹۲۷ چنین است:

«... در نهایت تذلل و انکسار از مولای مختار مسئلت نمایم که آن حبیان را از شر این نفوس دنیّه ردیته محافظه نماید و از تلوثات و حدودات و قیود عالم پر ظلمت طبیعت نجات دهد و پاک و مبرا سازد و به آنچه شایسته این ظهور کلی الهی است مفتخر و موفق گرداند. عنقریب بر عالمیان مکشوف گردد که دسائس مغلین و استهزاء جاهلین و اعتراضات مبطلین علت فوران نار موقده گشته و اسباب اشتها صیت نبأ مبین در اقالیم جدیده بعیده شده، سنّه الله الّتی قد خلت من قبل و لن تجد لسنة الله تبدیلا. فرخنده نفسی که در این سیل تا نفس اخیر استقامت نمود و خجسته قلبی که خود را از هبوب این اریاح کریهه کدره محافظه کرد. سوف یجد نفسه فی فرج عظیم و یشاهد المکذّبین فی اسف شدید و خسران مبین اید کم الله یا امناء البهء علی ما ترتفع به مقاماتکم فی کلّ عالم من عوالمه.»^{۱۳}

یکی از موارد بسیار زیبا و مؤثر حسن ختام در آثار حضرت ولی امرالله اتمام مطلب با مناجات است. نمونه این حسن مقطع را در مناجات آخر توفیق نوروز ۸۸ بدیع می توان ملاحظه نمود که با این عبارات به انتهی می رسد:

«... قوائم و دعائم صلح اعظم را به سرپنجه اقتدار استوار فرما و محکمه کبرایت را به قوه تعلیمات بهیهات در انجمن عالم تأسیس کن. این مور ضعیف را به خدمت امنای امرت موفق دار. و در اجرای وصایای محکمهات تأیید بخش و به آنچه مایه سرور و روحانیت عزیزان تو است در جمیع شؤون دلالت فرما تویی مجیر، تویی دستگیر، تویی مقتدر و تویی توانا.»^{۱۴}

و توقیع مورّخ نوامبر ۱۹۲۷ با این عبارات که به لحن مناجات مرقوم شده انتهی می‌پذیرد:

«... دیده انتظار را روشن کن و جرح قلوب کثیبه را التیام ده. به سر منزل مقصود کاروان‌های مدینه عشقت را بزودی برسان و به ساحت وصال دردمندان هجرت را بکشان. زیرا در این عالم ادنی جز ظفر و نصرت امرت را نخواهیم و در جوار رحمت کبریٰ جز امید وصال آمالی در دل نداشته و نداریم. تویی گواه، تویی ملجأ و پناه، تویی نصرت دهنده این جمع بی‌گناه.»^{۱۵}

یکی دیگر از فنون علم بدیع که استفاده با مهارت و خیرت از آن هنری بزرگ محسوب می‌گردد حسن طلب یا ادب طلب است. مقصود از این فن آن است که نکات و تقاضاهای مورد نظر نویسنده با آنچنان لطافت، ظرافت، زیبایی و در عین حال مهارت و فطانتی به خواننده عرضه گردد که مورد قبول و اطاعت او قرار گیرد و برای اجرای آن به دل و جان قیام نماید. حسن طلب باید با توجه دقیق به لحن و لفظ مناسب قرین باشد و در حالی که مقام و موقعیت و اعتبار گوینده را محفوظ نگه می‌دارد نه تنها خواننده را از طرح مطلب ملول نکند بلکه با چنان جذبه و در عین حال قطعیتی ارائه شود که به حسن قبول و اطاعت خواننده درآید و مطلوب حاصل گردد.

موارد حسن طلب را به وفور در آثار حضرت ولیّ امرالله می‌توان مطالعه نمود. نمونه بارز حسن طلب از جمله در توقیع مورّخ ۲۷ نوامبر ۱۹۲۹ میلادی است که حضرت ولیّ امرالله وجوب قیام احباء را برای اتمام مشرق الاذکار امریکا و تسریع اقدامات لازمه در تهیهٔ موجبات تشکیل معهد مقدّس اعلیٰ را چنین مطرح فرموده‌اند:

«... پس ای گروه غمزدگان قیام و اقدامی و ای خسته‌دلان ابراز شجاعت و شهامتی. مولای توانا از عالم بالا حیّ علی الوفاء حیّ علی الفداء انّی انا حیّ فی الافق الابهی ان انصرونی باعمالکم یا ملأ المحییّ ندا می‌فرماید. وقت اجابت است و زمان زمان جانفشانی و استقامت، حیف است اگر خاموش نشینیم و این فرصت گرانها را از دست دهیم و از این عطیّهٔ عظمیٰ و شرف اسنیٰ که خدمت به این دو مقصد جلیل است خود را محروم و ممنوع سازیم بلکه شایسته و سزاوار فارسان مضممار الهی آن است که این صلاهی جان‌افزا را من دون تردید اجابت نموده هر یک کمر خدمت برینند و قدم به میدان جانفشانی گذارند و لییک اللهم لییک گویان سمند همّت را جولان دهند و به چوگان عبودیت گوی سبقت را از یکدیگر برابیند. هذا ما ینفعنا فی الدنیا و الآخرة. اهمال و تهاون در این مقام عاقبتش یأس و حرمان است و نتیجه‌اش پشیمانی و خسران...»^{۱۶}

یکی دیگر از مشخصات بارز آثار حضرت ولیّ امرالله نقل آیات طلعات مقدّسهٔ بهائی در آثار خود و استشهاد به آنها است. دامنهٔ استشهاد به آثار دیگران اگرچه عمدهٔ شامل آثار جمال قدم و حضرت عبدالبهاء است اما در آثار حضرت ولیّ امرالله به کرات به آیات حضرت ربّ اعلیٰ و قرآن مجید

و احادیث اسلامی نیز استشهاد گردیده و گه گاه ایاتی از شعرای عرب و عجم نیز در این آثار مذکور افتاده است.

استشهاد در اصطلاح علم بدیع آوردن شاهد از آثار دیگران برای اثبات مدعا و گاهی به قصد احتجاج و یا تحریض و تشویق خواننده است. گاهی استشهاد به کشش کلام و جدّایت آن می افزاید و مقبولیت سریع تر مطلب را سبب می شود و یا جهات و سطوح مختلفه یک قضیه را با سهولت و اختصار بیشتر به خواننده انتقال می دهد.

دامنه استشهاد در آثار حضرت ولی امرالله بسیار متنوع و وسیع است. ذیلاً چند نمونه از انواع استشهاد را ارائه می دهد:

استشهاد به آثار جمال قدم

حضرت ولی امرالله در شرح وقایع و حوادثی که پس از صعود جمال اقدس ابهی اتفاق افتاده است در فقره‌ای از توفیق نوروز سنه ۸۸ بدیع چنین می فرماید:

«... طیور لیل به حرکت آمد و بدر منیر عهد مولی الانام در خسوف اهل ظنون و اوهام مخسوف و مقنوع گشت. خصم اللد فرحناک شد و امت مایوس یحیی امیدوار گردید. محور میثاق در سجن نیر آفاق قلعه بند گشت و عبدالحمید پلید به اغوای آن حزب عنید بر آن مظلوم فرید حمله‌ای شدید بنمود. عیون سکان ملا اعلی خون بگریست و یوم تالله تفتن کل شیء فی کل شیء من کل شیء الی کل شیء بنفس کل شیء به وقوع پیوست...»^{۱۷}

عبارت «تالله تفتن کل شیء...» استشهاد به بیان جمال قدم در لوح مبارک فتنه^{۱۸} است. و نیز حضرت ولی امرالله در توفیق مورخ ۲۷ نوامبر ۱۹۲۹ میلادی در شرح لزوم قیام احبای شرق به مساعدت احبای غرب برای اتمام مشرق الاذکار شیکاگو چنین می فرماید:

«... از مال و منال گذشته بر عالمیان و مدعیان روحاً و عملاً اثبات نمایند که وحدت جمع اهل بهاء حقیقتی است ساطع و قوه‌ای است نافذ... هر یک واحد کالالفتند و به قوه اسم اعظم بر جهان و جهانیان قاهر و غالب. از مکر و ریا در گریزند و با فتنه ضالّه مکذبین و مبطلین امر بهاء در جنگ و ستیز. در سیل صیانت شرف و منزلت آئین خویش تا نفس اخیر چون هژبر دلیر مدافع و مجاهدند و بر حقیقت ساطعه لا ریبیه وعد بهاء و نراکم من افق الابهی و نصر من قام علی نصره امری متوکّل و معتمد...»^{۱۹}

عبارت «و نراکم من...» از حضرت بهاءالله و مأخوذ از کتاب مستطاب اقدس (فقره ۵۳) است.

استشهاد به قرآن

حضرت ولی امرالله در توفیق مورخ نوروز سنه ۸۸ بدیع می فرمایند:

«ای برگزیدگان حضرت کبریاء روحی لِحَبِّکُمْ و خلوصکم و استقامتکم الفداء وقت آن است که به پاس این عنایت کبری و منحه عظمی و بشارت امنع ابهئ هر یک از جان بخروشیم و از روان بنوشیم و از تن بکوشیم تا به آنچه لازمه عبودیت صرفه بحته تامه است در این کور بدیع و قرن مجید موفق گردیم "لیقضی الله امرأکان مفعولاً"»^{۲۰}

عبارت «لیقضی الله...» فقره‌ای از آیه ۴۲ در سوره انفال (۸) در قرآن مجید است.

استشهاد به احادیث اسلامی

حضرت ولی امرالله در یکی از توابع مبارکه چنین می فرمایند:

«... دخول نفوس غیر سلیمه که خود را در جامعه امر به طمع جاه و منصب و مال و منال و اسم و رسم داخل نمایند و به اسم بهائی خود را شهرت دهند و با مؤمنین و مخلصین در امور امریه مشارکت کنند علت تولید مفاسد و تضعیف جامعه بهائی و ظهور انشقاق و افتراق گردد و مورث تشتت جمع بهائیان شود. "اتقوا من فراسة المؤمن انه ينظر بنور الله..."»^{۲۱}

عبارت «اتقوا من فراسة المؤمن...» حدیث اسلامی است که از جمله در کتاب مجمع البحرین اثر فخرالدین طریحی در ذیل "فرس" (ج ۴، ص ۹۱) مذکور آمده است.

استشهاد به شعر فارسی

حضرت ولی امرالله در یکی از توابع مبارکه چنین می فرمایند:

«... ارتداد ملحدین و انکار مدبرین در صفوف مجتده مجاهدانش رخنه نماید و دسائس مغلین روح آزادش را از جریان و سریان در شریان امکان ممنوع نسازد. دانشمندان ارض از سر غلبه اش حیرانند و حسودان بی امان از حرارت لهییش نالان و سوزان. دانایان امم به تعلیمات قیمه بهیه اش متوجه و حولش طائف و از انوارش مقتبس،
ولوله در شهر نیست جز شکن زلف یار

فتنه در آفاق نیست جز خم ابروی دوست...»^{۲۲}

بیت «ولوله در شهر...» از سعدی است و از ابیات غزل معروف اوست با مطلع:

آب حیات من است خاک سر کوی دوست

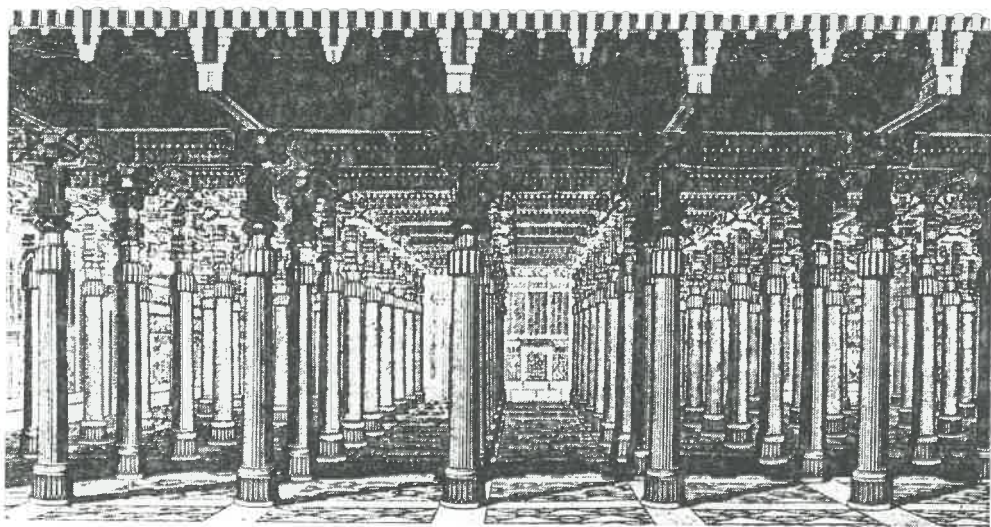
گر دو جهان خرمی است ما و غم روی دوست...

با نقل شواهدی در کیفیت استشهاد به آثار دیگران در آثار حضرت ولیّ امرالله به بحث درباره مشخّصات بلاغی آثار آن حضرت خاتمه می‌دهیم و در یک جمله تجدید مطلع نموده بر این نکته تأکید می‌ورزیم که کار مطالعه آثار حضرت ولیّ امرالله از نقطه نظر علوم بلاغی، ادبی بسیار وسیع تر و عمیق تر از آن است که این صفحات را مجال ورود در آن باشد لذا آنچه تحریر شد باید به منزله نگاهی سطحی به چند مشخّصه بارزتر آثار آن حضرت محسوب گردد و انجام کاری چنین سترگ به آینده ایام موکول شود.

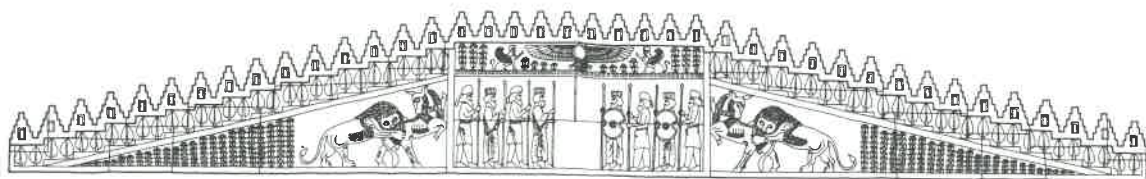
نکته اخیر آن که توابع حضرت ولیّ امرالله هیچگاه به عنوان آثار ادبی به رشته تحریر در نیامده و چنانچه اشاره شد مقصود حضرت ولیّ امرالله از خلق این آثار اصولاً آن بوده است که کمالات، مقدرات و مقدورات مودوعه در کلمه خلاقه الهیه را برای اهل عالم شرح و تبیین نمایند. تعشق حضرت ولیّ امرالله به حقیقت جمال و ذوق، لطافت و خلاقیت فطری آن حضرت که در جمیع احوال و شؤون و سکنات حضرتش بارز و هویدا است لا محاله در آثار قلمی آن حضرت نیز تجلی یافته و در نتیجه ریحی تبیین کلمه‌الله جام مرصع الفاظ و کلمات رشیکه را سرشار نموده و آثار قیمه مبارکه‌ای در اثر تقارن و تناسب جام و مُدام به منصفه ظهور رسیده است که در نثر فارسی قرن گذشته مقامی ممتاز و بی‌عدیل دارد.

یادداشت‌ها

- ۱- حضرت ولیّ امرالله، توفیعات مبارکه، ج ۲، طبع ۱۴- ایضاً، ص ۱۹۳.
- طهران، ۱۲۹ بدیع، ص ۸۷
- ۲- ایضاً، صص ۲۲۵-۲۲۶.
- ۳- ایضاً، صص ۲۶۰-۲۶۱.
- ۴- ایضاً، ص ۲۳۸.
- ۵- ایضاً، ص ۲۹۵.
- ۶- ایضاً، ص ۱۰۶.
- ۷- ایضاً، ص ۱۱۱.
- ۸- ایضاً، ص ۱۱۳.
- ۹- ایضاً، ص ۸۵.
- ۱۰- ایضاً، ص ۳.
- ۱۱- ایضاً، ص ۱۶۶.
- ۱۲- ایضاً، ص ۲۰۵.
- ۱۳- ایضاً، ص ۴۴.
- ۱۴- ایضاً، ص ۶۸.
- ۱۵- ایضاً، صص ۱۴۵-۱۴۶.
- ۱۶- ایضاً، ص ۱۸۳.
- ۱۷- مائده آسمانی، ج ۴، ص ۲۶۴.
- ۱۸- توفیعات مبارکه، ج ۲، صص ۱۴۳-۱۴۴.
- ۱۹- ایضاً، ص ۱۹۱.
- ۲۰- ایضاً، ص ۱۲۴.
- ۲۱- ایضاً، ص ۲۴۱.
- ۲۲- ایضاً، ص ۸۵.



كاخ سدستون - تخت جمشيد



پله كان تشریفاتى كاخ آبادانا - تخت جمشيد